Journal of Spiritual Health
2022, Volume 1, Issue 2
Pages: 120-127
10.30491/JSH.1.2.120

The Relationship between Art and Spiritual Health in Iranian-Islamic Art

Ahmad Salami [1*], Seyed Sadruddin Ferdosi [2]

[1] *Medicine, Quran and Hadith Research Center, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran*
[2] *Islamic Azad University, Sciences and Research Branch, Tehran, Iran*

Abstract

Background and Aim: The spiritual emptiness in the modern era caused a kind of return to spiritual life and communication between different parts of life. "Spiritual health" was proposed as the fourth dimension of health when other dimensions were not considered sufficient in meeting human needs. "Art" can be regarded as one of the most influential factors in restoring spiritual health. Iranian-Islamic art has always produced artworks about spirituality by showing manifestations of the higher world and an image of heaven. It has provided a necessary part of the spiritual health of society. This study aimed to assess the relationship between art and spiritual health.

Methods: This research was carried out in a library manner by referring to studies related to art and spiritual health, and a descriptive-analytical method was used.

Results: The results demonstrated that there has always been a two-way relationship between art and spiritual health in Iranian-Islamic culture. Iranian-Islamic art, including literature, architecture, painting, and music, has played a vital role in the progress of spiritual health. This art has invited people to a different aspect of life and provided a platform for sublimation. It has been one of the most influential factors in the progress of spirituality in society. At the same time, it was influenced by religious teachings and the religious life of the artist. Therefore, the effect of art on spiritual health (as well as the effect of spiritual health on art) is considered the most notable result.

Conclusion: Considering the interrelationship between art and spiritual health, art promotes spiritual health as a basic need of societies. Spiritual health is not only limited to the cognitive dimension of a person. Thus in this context, attention to art, which directly affects motivation and strengthening or weakening wills, is essential. Art inspires and mediates between the world of the senses and sensations by using the power of imagination and stimulating emotions. Therefore, it is not possible to achieve good results in improving spiritual health without using the capacity of works of art.

Keywords: Art, Spiritual Health, Iranian-Islamic Art, Motivation, Inspiration, Imagination.

*Corresponding author: **Ahmad Salami,** Email: salami020@yahoo.com

Received: 31 July 2022 **Accepted:** 12 October 2022

[Downloaded from mail.spiritual-health.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.30491/JSH.1.2.120]

مجله سلامت معنوی
دوره ۱، شماره ۲، مهر ۱۴۰۱
صفحات: ۱۲۷-۱۲۰
10.30491/JSH.1.2.120

نسبت هنر و سلامت معنوی در هنر ایرانی- اسلامی

احمد سلامی[۱*]، سید صدرالدین فردوسی[۲]

[۱] مرکز تحقیقات طب، قرآن و حدیث، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج)، تهران، ایران
[۲] دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف: احساس خلأ معنا و معنویت در دوران مدرن، نوعی بازگشت به زیست معنوی و ارتباط برقرار کردن میان اجزای مختلف زندگی را ایجاب نمود. «سلامت معنوی» به‌عنوان چهارمین بُعد سلامت در فضایی مطرح شد که سایر ابعاد در تأمین نیازهای انسان کافی دانسته نشد. در بازیابی سلامت معنوی و عبور از بحران معنا، «هنر» را می‌توان از قدرتمندترین عوامل دانست. آثار هنری در هنر ایرانی- اسلامی با نمایش جلوه‌هایی از عالَم برتر و تصویری از بهشت، همواره در نسبت با معنویت دینی تعریف و تولید شده و بخش مهمی از سلامت معنویِ جامعه را فراهم نموده است. هدف این تحقیق بررسی نسبت هنر و سلامت معنوی است که از موضوعات مهمّ بین‌رشته‌ای و دارای اهمیت فراوانی در جهت پیوند هنر و سلامت معنوی جامعه است.

روش‌ها: این تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع مرتبط با هنر و سلامت معنوی انجام گرفته و در آن از روش توصیفی- تحلیلی استفاده شده است.

یافته‌ها: از تحقیق حاضر این نتیجه به‌دست آمد که در فرهنگ ایرانی- اسلامی همواره رابطه‌ای دو سویه بین هنر و سلامت معنوی برقرار بوده است و تأثیری متقابل میان این دو وجود داشته است. هنر ایرانی- اسلامی از جمله ادبیات، معماری، نگارگری و موسیقی کارکرد مهمی در زمینه ارتقای سلامت معنوی داشته و انسان را به وجه دیگری از حیات دعوت نموده و بستری برای تعالی او فراهم کرده و از مهمترین عوامل گسترش معنویت در جامعه بوده است و در عین حال متأثر از آموزه‌های دینی و زیست دینی هنرمند بوده است. بنابراین اثرگذاری هنر بر (و نیز اثرپذیری هنر از) سلامت معنوی مهمترین یافته تحقیق به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری: با توجه به ارتباط متقابل هنر و سلامت معنوی، برای ارتقای سلامت معنوی که امروزه نیازی اساسی برای جوامع به شمار می‌رود، هنر نقشی اساسی ایفا می‌کند. سلامت معنوی صرفاً به بُعد شناختی انسان محدود نمی‌شود و در این زمینه، توجه به هنر که مستقیماً بر انگیزه‌سازی و تقویت یا تضعیف اراده‌ها اثرگذار است، بسیار حائز اهمیت است. هنر با استفاده از قوه خیال و تحریک عواطف، الهام‌بخشی می‌کند و واسطه میان عالم معقولات و محسوسات می‌شود. بنابراین نمی‌توان بدون استفاده از ظرفیت مهم آثار هنری به نتایج مطلوبی در بهبود سلامت معنوی دست یافت.

کلیدواژه‌ها: هنر، سلامت معنوی، هنر ایرانی- اسلامی، انگیزه‌سازی، الهام‌بخشی، قوه خیال.

*نویسنده مسئول: **احمد سلامی.** پست الکترونیک: salami020@yahoo.com
دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۰۹ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۷/۲۰

[Downloaded from mail.spiritual-health.ir on 2026-11-18]
[DOI: 10.30491/JSH.1.2.120]

مقدمه

زمانی که مدرنیته زندگی انسان را در چارچوب عقلانیت ابزاری و در محدودهٔ «تن» سامان داد، با وجود پیشرفت‌های چشم‌گیر در علم و صنعت، بحران‌هایی نیز در این میان سر برآورد. ترویج نژادپرستی، جنگ‌های جهانی، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، استعمار و نابودی طبیعت، انسان مدرن را با بحران‌های عمیق وجودی از جمله بحران معنا، بی‌هدفی، سرگردانی و سرگشتگی روبرو کرد. مدرنیته به عنوان تک‌بُعدی‌ترین فرهنگ نسبت به تعالی انسان، سبب شد بسیاری از مردم عمیقاً به لحاظ معنوی مجروح و ضعیف شوند (۱). رفته‌رفته با پشت سر گذاشتن دوران مدرن و ظهور جنبش‌های انتقادی و پست‌مدرنیستی، وجوهی دیگر از وجود انسان مانند عواطف، احساسات، تخیّلات و رؤیاها که به حاشیه رانده شده بود، جدّی گرفته شد. در عصری که گویی همه چیز در جهان، از قوانین حاکم بر مادّه تبعیت می‌کرد، این احساس خلأ ناشی از دوری از معنویت، نوعی بازگشت به زندگی معنوی و جستجو برای یافتن معنای زندگی و ارتباط برقرار کردن میان اجزای مختلف آن را ایجاب نمود. «سلامت معنوی» به عنوان چهارمین بُعد سلامت در فضایی مطرح شد که سایر ابعاد در تأمین نیازهای انسان کافی دانسته نشد و به نیاز معنوی انسان در کنار سایر نیازها توجّه اساسی شد. در این شرایط «دین» به عنوان ارائه‌دهنده آموزه‌های معنوی بار دیگر مورد توجه قرار گرفت و جا برای بروز و ظهور به عنوان منبعی که نقشی برای وجوه غیرعقلانی قائل است، باز شد، هرچند این یک بازگشت به دین نهادی نبود.

در بازیابی سلامت معنوی و عبور از بحران معنا، از عوامل متعددی می‌توان سخن گفت که در این میان هنر را می‌توان از قدرتمندترین آن‌ها دانست. فیلسوفان غربی با گرایش‌های مختلف بر این مطلب تأکید کرده‌اند. هگل هنر را در کنار دین و فلسفه بیان‌کنندهٔ امر الوهی، عمیق‌ترین علائق بشر و جامع‌ترین حقایق معنوی دانسته و معتقد است هنر شکل تقلیل‌ناپذیری از خوداندیشی را تثبیت می‌کند و شناخت روح را از طریق یک واسطهٔ حسّی طبیعی ممکن می‌سازد (۲). نیچه هنر را یگانه نجات‌بخش بشر از بحرانِ معنا در جهان کنونی می‌داند (۳). از منظرِ مارتین هایدگر، انسانِ جدید بی‌خانمان است و از بی‌معنایی رنج می‌برد و این فقط هنر است که می‌تواند علاج قطعی فلاکتِ زمانه ما را تدارک ببیند (۴). آدورنو نیز مصائب انسان مدرن را نتیجه مدرنیته و سرچشمه‌های آن را ایمان به عقل ابزاری دانسته و تأکید می‌کند که هنر مدرن علیه این مصیبت‌ها و ریشه‌های آن موضع دارد (۵). از جمله فیلسوفان غربی که به خلق اثر هنری در نسبت با معنا اقدام کردند، می‌توان از کامو و سارتر با رویکرد الحادی و گابریل مارسل با رویکرد الهی نام برد (۶). بر این اساس در روزگاری که نگاه معنادار به هستی با مشکلات اساسی مواجه شده است، هنر به مثابهٔ عنصری رهابخش مورد توجه قرار می‌گیرد. آثار هنری در طول تاریخ با نمایش جلوه‌هایی از عالَم برتر و تصویری از بهشت برین در قالب آیین‌ها، نمایش‌ها، صداها، ریتم‌ها، بناها، نقاشی‌ها و مجسمه‌ها با کارکردهای مهمی در زمینه ارتقای سلامت معنوی همراه بوده و انسان را به وجه دیگری از حیات دعوت نموده و بستری برای تعالی او فراهم کرده است. این کارکردها اثر هنری را به مثابه جلوه‌ای از زندگی آرمانی، دارای وجهی از تقدّس و الهام نموده است. هنر در فرهنگ و سنّت ایران نیز جایگاه خاصی داشته و همیشه در نسبت با معنویت و دین تعریف و تولید شده است. هنر ایرانی- اسلامی (از جمله ادبیات، معماری، نگارگری و موسیقی) در سنّت هزار ساله خود متأثّر از آموزه‌های دینی و زیست دینی هنرمند بوده و همین امر یکی از زمینه‌های مهم گسترش معنویت در جهان اسلام به شمار می‌رود.

بررسی نسبت هنر و سلامت معنوی از جمله موضوعات مهم بین‌رشته‌ای است که دارای اهمیت فراوانی است، ولی کمتر بدان پرداخته شده است. در تحقیق به این پرسش اساسی خواهیم پرداخت که چه نسبتی میان هنر (به عنوان یکی از وجوه جدایی‌ناپذیر وجود انسان) و سلامت معنوی (به عنوان یکی از مهمترین ابعاد سلامت) برقرار است و تأثیر هنر بر سلامت معنوی را چگونه می‌توان تبیین نمود؟ تحقیق‌های انجام شده در این‌باره، اغلب ناظر به هنردرمانی و تأثیر هنر بر سلامت جسمی به‌ویژه درمان بیماری‌ها بوده است. تحقیق حاضر بیش از آنکه به وجوه درمان‌بخشی هنر توجه داشته باشد، می‌کوشد بُعد غیرمادی وجود انسان (به تعبیر قرآن «قلب») (۷) را به مثابه زاینده و دریافت‌کننده هنر محور قرار دهد. هدف از تحقیق تبیین نسبت هنر و سلامت معنوی و چگونگی تأثیر این دو بر یکدیگر است تا در نهایت بتوان از ظرفیت‌های هنر برای ارتقای سلامت معنوی جامعه استفاده کرد و همچنین تقویت سلامت معنوی را در جهت ارتقای کیفیت آثار هنری مورد توجه قرار داد.

تعریف سلامت معنوی: در این تحقیق سلامت معنوی را مبتنی بر نگاه توحیدی حالتی وجودی از انسان می‌دانیم که ساحات مختلف فردی، اجتماعی و محیطی را سامان می‌دهد و معنا، هدف و انگیزهٔ مطلوبی برای زندگی به ارمغان می‌آورد و باورها، اراده‌ها، عواطف و رفتارهای او را در جهت تحقق زندگی بهتر تنظیم می‌کند. علامه طباطبایی اساس سیر باطنی و حیات معنوی را پذیرش اصالت عالم معنا می‌داند، عالمی که شامل کمالات باطنی و مقامات معنوی به‌عنوان واقعیت‌های حقیقی بیرون از واقعیت طبیعت و جهان ماده است (۸).

تعریف هنر: در این تحقیق مقصود از هنر چیزی است که شامل ویژگی‌هایی مانند بیان عواطف و احساسات، به کارگیری اصیل تخیل، اوصاف زیبایی‌شناسانه مثبت، برانگیختن عواطف نهفته و احساسات، دلالت‌گری یا معناداری و به نمایش گذاشتن نظرگاه فردی و تعلق به یک گونه هنری تثبیت شده باشد (۹).

روش

این تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع مرتبط با

[Downloaded from mail.spiritual-health.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.30491/JSH.1.2.120]

نسبت هنر و سلامت معنوی انجام گرفته و در آن از روش توصیفی- تحلیلی استفاده شده است. در واکاوی بحث، تأکید بر هنر ایرانی- اسلامی در نسبت‌سنجی با بُعد معنوی انسان شده است.

نتایج

در بررسی نسبت هنر و سلامت معنوی این نتیجه به‌دست می‌آید که تأثیری متقابل میان این دو وجود دارد و رابطه‌ای دوسویه برقرار است. از سویی آثار هنری بر ارتقا یا کاهش سلامت معنوی مخاطبان اثرگذارند و از سوی دیگر سلامت معنویِ هنرمند و جامعه در فرایند شکل‌گیری اثر هنری دخیل است. اثر هنری می‌تواند انسان را از حالت رکود، توقّف و بی‌انگیزگی خارج کرده و او را در نزدیک شدن به شاخص‌های سلامت معنوی یاری کند و می‌تواند چنان تأثیر مخرّبی داشته باشد که او را از معنا تهی کند. تأثیر هنر بر سلامت معنوی با انگیزه‌سازی و تقویت اراده، محقق می‌شود. هنر با استفاده از قوه خیال و با تحریک عواطف و احساسات مخاطب، نقش یگانه‌ای در الهام‌بخشی ایفا می‌کند و واسطه‌ای جذاب میان عالم معقولات و محسوسات می‌شود.

هنر در ایران پس از اسلام همواره با کارکردهای مهمی در زمینه ارتقای سلامت معنوی انسان‌ها همراه بوده است. به گفته برخی محققان، اسلام در ایران راه جدیدی برای معرفت ارائه کرد و عرفان نوعی نگاه هنری به معرفت دینی داشت. قرآن مرجع این معرفت، سیره پیامبر سرمشق آن و وارثان دانشِ پیامبر حلقه اتصال آن تلقی می‌شدند (۱۰)، و ثمره چنین رویکردی رشد معنوی انسان‌ها بوده است. چنین بوده که از قرن سوم هجری به بعد ستارگانی مانند سنائی، عطّار، مولوی و حافظ پا به عرصه هنر ایرانی- اسلامی گذاشتند که از سویی، شناخت خداوند مبنای کارشان بوده و از سویی هدفی جز بهبود وضعیت معنوی انسان‌ها در سر نداشتند.

سلامت معنوی و هنر ایرانی- اسلامی

شعر و ادبیات: در بررسی اجمالی نسبت هنر ایرانی- اسلامی و سلامت معنوی، باید به ادبیات عرفانیِ منظوم اشاره کنیم که در سنّت ما نسبت خاصی با معنویت و سلامت داشته است. به‌طور مثال، مثنوی مولوی به عنوان یک اثر هنری برجسته که امروزه در دنیا شهرت دارد، آکنده از مضامین دینی و عرفانی است و توانسته با استفاده از قصه‌پردازی و زبان استعاره، تأثیر زیادی بر سلامت معنوی مخاطبان بگذارد (۱۱). مثنوی معنوی در منظومه فکر دینی جایگاه رفیعی دارد، چنانکه خود مولوی در مقدمه، آن را «أصول أصول الدین» دانسته است (۱۲) و بزرگانی بر این ادّعا مُهر صحت گذاشته‌اند (۱۳). قصه‌های مثنوی، خداشناسیِ مبتنی بر وحی را در جان مخاطب می‌نشاند و نشاط معنوی را در دلِ او به جریان می‌اندازد و او را به بازگشت به خویشتن دعوت می‌کند. عرفان اسلامی را می‌توان در ساحت نظری، عملی و ادبی در نظر گرفت که از هم جدایی‌ناپذیرند. امتزاج این سه و اتصالشان به وحی زمینه تصفیه روح و تلطیف جان را به ارمغان می‌آورد. ادبیات عرفانی به‌خصوص در گستره زبان فارسی نشان‌دهنده حالت‌های روحی و عواطف پاک توحیدیِ عارف است. عارفان مسلمان با آگاهی از این تأثیر شگرف، برای خود و دیگران بهترین بهره را فراهم آوردند (۱۴).

معماری و نگارگری: مساجد کهن را نیز باید از جمله مهمترین آثار هنری دانست که خود، حاکی از پیوند و درهم تنیدگی هنر و معنویت در فرهنگ ایرانی- اسلامی بوده است. مسجد، مجموعه کاملی از انواع هنرها بوده است: معماری در ساخت بنا، نقاشی در نقوش و کاشی‌ها، خوشنویسی در الواح و کتیبه‌ها، شعرهایی که بر دیوار و سقف نگاشته می‌شد، موسیقی قرآن و اذان و وعظ، صنایع دستی در فرش و پرده و قندیل‌ها و منبّت‌کاری‌ها. این‌ها همه در جهت بسترسازی برای پرواز روح انسان به عالی‌ترین مراتب وجودی بوده است. هنر معماری در مساجد (با توجه به کارکردهای مهم و متنوعی که مساجد در گذشته داشتند و تنها محدود به عبادت نبودند) مفهوم انتزاعی را با هدف انتفاعی در هم می‌آمیخت. ازین رو مساجد هم زیبا بودند و هم راحت و هم سودمند (۱۵). به عبارتی هنر در مساجد وجه کارکردی مهمی در انجام درست امور مختلف مانند اجتماعات مسلمانان، محکمه عدالت، مجلس درس، مهمانخانه مسافران و جلسات قرآن داشت. هنگامی که از نسبت هنر و سلامت معنوی سخن می‌گوییم باید علاوه بر وجوه زیبایی‌شناسی و جذابیت و قدرت بالای اثر هنری در خیره کردن نگاه‌ها، به درهم‌تنیدگی با تأمین نیازهای روزمره زندگی و در دسترس بودن نیز توجه داشت، چنان‌که بورکهارت می‌گوید: «در هنر مقدّس هیچ جدایی بین هنر و تکنیک یا بین جستجوی زیبایی و روش ساخت وجود ندارد» (۱۶). آثار هنری در سنّت ایرانی- اسلامی با نگاه تفریحی و موزه‌ای دیده نمی‌شده است، بلکه این آثار در دل زندگی و فعالیت‌ها و امور روزمره قرار می‌گرفته است. همان نیازهای اساسی که انسان همیشه درصدد رفع آن‌ها بوده، با استفاده از خلاقیت هنرمند به شکلی جذاب و زیبا و مورد پسند ارائه می‌شده تا در انگیزه‌سازی و ایجاد نشاط و شور مؤثر باشد. نمازی که همه مسلمان‌ها مکلف به برپاداشتن آن هستند، هنگامی که در مسجدی مزیّن به هنرهای مختلف برپا می‌گردد، قطعاً آثار معنوی متفاوتی بر وجود انسان خواهد گذاشت.

موسیقی: موسیقی نیز در هنر ایرانی- اسلامی جایگاه خاصی داشته و در نسبت با معنویت تعریف شده است. فلاسفه و عُرفای مسلمان به موسیقی توجه داشته‌اند. در این زمینه می‌توان از «الموسیقی الکبیر» فارابی و «رسائل اخوان الصفا» و همچنین آراء غزالی و فیض کاشانی نام برد. هرچند در منابع فقهی نگاه متفاوتی حاکم است، اما درباره حکم فقهی موسیقی، توجه به موضوع‌شناسی

[Downloaded from mail.spiritual-health.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.30491/JSH.1.2.120]

حائز اهمیت است. در صدر اسلام مصادیق زیادی برای هنر رواج نداشته و عمدتاً موسیقی و مجسمه‌سازی بوده است. به گفته محققان، هر دو هنر منحصراً در خدمت شرک بوده و در امور حرام کاربرد داشته است، مثلا در تحریک به زنا و شرب خمر (۱۷). به عبارتی اسلام تولیدکننده این نوع از هنر نبوده و صرفاً در مقام مصرف آثار هنری موجود، توصیه‌هایی برای مسلمانان داشته است و از موسیقی‌هایی که نوعاً در خدمت ترویج شرک یا فسادآور و به عبارتی مخرب سلامت معنوی بوده است، نهی می‌کند. این هنر با تأثیر مخرب بر اراده، روح و روان انسان را دچار بیماری و اختلال می‌کند و اجازه تصمیم‌گیری درست را نمی‌دهد. با این توصیف، هنری که در خدمت تعالی روح و تقویت اراده باشد، چرا باید مورد نهی دین واقع شود؟

هنر در ایران معاصر

در باب سیر تطوّرات هنری در ایران معاصر و نسبت‌سنجی آن با سلامت معنوی باید گفت ایران به دلیل برخورد فرهنگی با تمدن مدرن، به نوعی عقلانیت جدید را تجربه کرد و طبیعتاً آثار آن روی روح و ضمیر جامعه ایرانی نمایان شد. نظریه‌های مختلفی چون سوسیالیسمِ علمی، اگزیستانسیالیسمِ فلسفی کامو و سارتر و نظریه‌های فروید و پیروان او در ایران از سال‌های پس از ۱۳۲۰رواج فراوان یافت. در فرآیند برخورد ایران با فرهنگ مدرن، روشنفکران ایرانی متأثر از روشنگری فرانسوی بودند و به همین دلیل این تحولات با بدبینی نسبت به سنّت دینی–بومی همراه بود (۱۸). در این دوره به وضوح تأثیر آثار هنری بر کاهش سلامت معنوی جامعه ایرانی دیده می‌شود. با ترجمه متون پوچ‌انگارانه و گسترش آن، نوعی یأسِ فلسفی در اندیشه هنرمندان ایرانی جریان پیدا کرد. آثار هنری مهمی همچون رمان‌ها و نمایشنامه‌های هنرمندان و فیلسوفان بزرگ ترجمه شد و ورود این آثار به فضای فکری و فرهنگی جامعه در تقابل با سنّت دینی و ایرانی، اثرات نامطلوبی بر جای گذاشت و کار به جایی رسید که استفاده از آثار هنری سنّتی نوعی عقب‌ماندگی تلقی شد و در عوض آثار مدرنی که مروّج نخوت، سستی، سرکشی و عصیان انسان علیه ارزش‌ها بود، رواج پیدا کرد (۱۹).

واقعیت این است که برخی آثار هنری معاصر (مانند رمان، موسیقی و آثار نمایشی) تأثیرات مهمی در به خطر انداختن سلامت معنوی جامعه داشته‌اند. علامه جعفری وجه بارز هنر در دوران جدید را زیباشناسی حسی دانسته و می‌نویسد: امروزه برخی هنر را صرفاً برای ایجاد تنوع در زندگی انسان‌ها و جلب شگفتی آن‌ها می‌خواهند، نه برای رشد و کمال آن‌ها در مسیر حیات معقول. در این فرایند، نبوغ و آزادی بی حد و حصر هنرمند ارزشمند است و سقوط اخلاقی انسانی که مخاطب این اثر است، مورد توجه قرار نمی‌گیرد (۲۰). اثر مخرب آثار هنری در دعوت به یأس، خشونت، جنایت، ارتباط‌های آزاد، مصرف الکل و مواد مخدر، بی‌معنایی و بی انگیزگی در زندگی بر کسی پوشیده نیست. در عین حال همواره هنرمندانی که زیست معنوی خود را در آثارشان متجلی کرده‌اند، شاهد مهمی برای تأثیر هنر بر سلامت معنوی بوده‌اند. برخی از فیلم‌های سینمای ایران علاوه بر حس خوشایند معنوی، مخاطب را به فکر فرو می‌برند و این نکته برای انسانِ معاصری که ازخودبیگانگی را تجربه می‌کند ضروری است.

چگونگی تأثیر هنر بر سلامت معنوی

امروزه مفهوم «سلامت معنوی» به‌عنوان بُعد مهمی از سلامت انسان، مورد توجه پژوهشگران است. مطابق گفته برخی محققان، در یونان باستان نیز مربّیان و معلمان، سلامت کامل را هنگامی صادق می‌دانستند که فرد از سلامت معنوی برخوردار باشد (۲۱). اما با جدی شدن ورود معنویت به مقوله درمان و به‌طور کلی دانش سلامت، افراد زیادی به این عرصه ورود کرده و هر یک از منظری آن را بررسی کرده‌اند. اگرچه «سلامت» و «معنویت» هر دو واژه‌هایی هستند که ذاتاً ابهام برانگیزند، ولی این مسئله باعث نشده که محققان از تلاش برای تعریف این دو و تبیین ارتباط درونی آن‌ها منصرف شوند. تعاریف مختلفی برای سلامت معنوی ارائه شده است که طبعاً ناشی از اختلاف مبانی فلسفی و دینی محققان است، اما نکته‌ای که در تعاریف پرشماری تکرار شده است، جامعیت و شمول این مفهوم نسبت به جنبه‌های مختلف وجودی و تأکید بر یکپارچگی و تمامیت است. مالدون و کینگ در تبیین معنویت به این نکته اشاره کرده و گفته‌اند معنویت همهٔ جنبه‌های زندگی و تجربه انسان را دربرمی‌گیرد و یکپارچه کننده ابعاد مختلف وجودی انسان به شمار می‌رود. ایشان در تعریف سلامت و به‌زیستی نیز گستردگی مشابهی را در نظر گرفته‌اند که به جای رویه رایج پزشکی یعنی تمرکز بر درمان بیماری، بر کل شخص تأکید می‌کند (۲۲). کاوارد و رید نیز در تعریف به‌زیستی و سلامت معنوی، بر تمامیت و یکپارچگی همه جنبه‌های فرد اشاره کرده‌اند (۲۳). ابوالقاسمی و اسدزندی می‌نویسند چشم‌اندازی که قرآن برای سلامت معنوی (برخورداری از قلب سلیم) تبیین کرده است، دستیابی به حیات طیّبه یعنی بالاترین کیفیت زندگی انسان‌ها شامل تمامی مؤلفه‌های مورد نیاز برای به‌زیستی و آرامش در دنیا و سعادت در آخرت است (۲۴). رشاد و عباس‌زاده نیز در تعریف سلامت معنوی اسلامی آورده‌اند: فرابودگی فرد و جامعه و رهایی از تعلقات دون مادی، تحت تعلیمات وحیانی، در ابعاد و ساحات وجودی چهارگانه بینشی، گرایشی، منشی و کنشی (۲۵).

ساحت اراده

سلامت معنوی در معنای کامل و جامعش ناظر به ساحت‌های مختلف وجودی در نظر گرفته می‌شود، نه تنها ساحت باورها و رفتارها، بلکه واسطه میان این دو یعنی اراده و انگیزه نیز حائز اهمیت اساسی است. وقتی از سلامت معنوی سخن می‌گوییم، آن را باید در همه ساحت‌ها تبیین کنیم و سلامت در ساحت انگیزه

[Downloaded from mail.spiritual-health.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.30491/JSH.1.2.120]

همان محل نقش‌آفرینی هنر است. هنر علم را محبوب می‌کند و بدون هنر ایصال علم به عمل تضمینی ندارد. آن چیزی که تأثیر مستقیم بر ساحت اراده و عزم می‌گذارد و کاملاً می‌تواند انسان را به سمت و سوی دلخواه بکشاند، هنر است. انسان همان‌قدر که نیازهای شناختی دارد، نیازهای انگیزشی و الهامی نیز دارد. هنر دقیقاً در همین جایگاه می‌ایستد. هنر در همه موارد به باورها نمی‌افزاید، ولی به معنای دقیق کلمه «الهام‌بخش» است. مخاطب اثر هنری، انسان به مثابه موجودی عاطفی و احساسی است، نه حیوانی متفکر. به همین جهت است که از تأثیر هنر بر اراده سخن گفته می‌شود. به تصویر کشیدن زندگی آرمانی در آثار هنری، عاطفه و بُعد غیرشناختی وجود را مخاطب قرار می‌دهد و این‌گونه می‌تواند بیشترین کمک را در اصلاح زندگی و بهبود روابط داشته باشد. امام خمینی هنگامی که از تأثیر منفی نوع خاصی از موسیقی بر اراده انسان سخن می‌گوید باید توجه کرد که صحبت از تأثیر بر اندیشه نیست، یعنی گوش کردن موسیقی حرام لزوماً تغییری در اعتقادات فرد ایجاد نخواهد کرد و فرد به لحاظ عقیدتی همچنان مسلمان است، اما عزم و اراده در درون او سست می‌شود، به گونه‌ای که اگر دستور جهاد صادر شود، حال جهاد ندارد و با توجیه‌های مختلف از آن کنار می‌کشد (۲۶).

فارابی از جمله اندیشمندان مسلمانی است که در آراء خود به هنر هم از حیث مفهوم و هم کارکردهای آن توجه ویژه داشته است. او در «رساله فی التناسب و التألیف» غرض شعر را تحریک خیال و انفعالات نفس می‌داند (۲۷) و در «إحصاء العلوم» شعر را این‌گونه تعریف می‌کند: «گفتار شعری سخنانی است که احساس و حالتی را در شنونده برمی‌انگیزد یا چیزی را بالاتر از آنچه هست نشان می‌دهد یا چیزی را پایین‌تر از واقع می‌نمایاند. این خواص مربوط به توصیف زیبایی، زشتی، شکوه‌مندی، خاری و مانند این‌هاست» (۲۸). درباره چگونگی تأثیر هنر بر بُعد معنوی انسان و ارتقای سلامت معنوی او، توجه به بُعد انگیزشی بسیار حائز اهمیت است. «عقل نظری» و «عقل عملی» یکی از اساسی‌ترین تقسیم‌بندی‌هایی است که در فلسفهٔ اسلامی به طور جدی به آن پرداخته شده است. در برخی آراء، این دو اصطلاح ناظر به تفکیک ساحت «اندیشه» یا «علم» (که می‌شناسد و می‌داند) و «انگیزه» یا «عزم» (که اراده می‌کند) تعریف شده است (۲۹). برای انجام یا ترک هر چیزی دو عامل دخیل است: یکی اینکه فرد بداند آن چیز منفعت دارد و دوم اینکه انگیزه برای انجام یا ترک آن داشته باشد تا عزم و اراده به آن تعلق بگیرد. اگر علم به منفعت باشد و آن چیز خوشایند، زیبا، دوست‌داشتنی و مورد پسند هم باشد، عزم محقق می‌شود، و گرنه علم به منفعت لزوماً به عمل منتهی نخواهد شد. اراده و عزم در آموزه‌های دینی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «خدا ایمان را برای شما دوست‌داشتنی گردانید و آن را در دل‌های شما بیاراست و کفر و پلیدکاری و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند ساخت» (۳۰). از آیه می‌توان اینگونه برداشت کرد که اگر ایمان زینت نشود و به گونه‌ای عرضه نشود که محبوب و خوشایند مخاطب باشد در جان‌ها قرار نخواهد گرفت. تا زمانی که عواطف و احساسات انسان درگیر نشود، فکر به تنهایی (حتی اگر قانع شده باشد) کافی نیست. امام خمینی در کتاب «شرح چهل حدیث» می‌فرماید عزم جوهره انسانیت و میزان امتیاز انسان است (۲۶). یکی از ثمرات این بحث آن است که بخش مهمی از حقیقت انسان و به‌تبع آن بخش مهمی از آموزه‌های دین را باید در ارتباط با ساحت عزم و اراده تفسیر کرد.

قوه خیال

در جستجوی فرایند تأثیر هنر بر سلامت معنوی یکی دیگر از مفاهیم اساسی، وساطت قوه خیال در میانه عالم معقول و عالم محسوس است. یکی از بنیادی‌ترین عناصر مطرح در فلسفه هنر، «میمسیس» (mimesis) است که به imitation «محاکات»، «تقلید» یا «بازنمایی» تعبیر شده است. افلاطون نخستین کسی است که مفهوم میمسیس را برای هنر به کار برد. او کار هنرمند را تقلید از محسوس و اشیا را برگرفته از عالم مُثُل می‌دانست و بدین جهت اثر هنری را برداشتی ناصواب از حقیقت تلقی می‌کرد. ارسطو در رساله «فن شعر» تقلید را در مراسم‌های آیینی جستجو می‌کرد و برخلاف افلاطون، برای تقلید فوایدی قائل بود و ذیل «کاتارسیس» (به معنای تزکیه و پالایش روح است که در پایان تراژدی برای مخاطب اتفاق می افتد) آن را تبیین می‌کرد. در حوزه تمدن اسلامی و در میان حکمای مسلمان، کسانی مانند ابن‌سینا، فارابی، ابن‌رشد، شهرزوری و خواجه نصیر توجه ویژه‌ای به این مفهوم داشته‌اند. شهرزوری در فن شعر رسائل الشجره الإلهیه می‌گوید: «شعر محاکات هنرمندانه است و از نظر قدما کلام خیال‌انگیز مسجّع است، نه آن‌گونه که شعر در زمان ما هست» (۳۱). فارابی در کتاب الجمع بین رأی الحکیمین تلاش کرد بین افلاطون و ارسطو آشتی برقرار کند. او برای اولین‌بار تعبیر محاکات را برای متن دینی به کار برد و متن دینی را متن محاکاتی دانست. او می‌گفت فلسفه محصول عقل ناب است، اما دین که برای سعادت عموم آمده، همراه با تخیل است. به اعتقاد او اکثر مردم توانایی آن را ندارند که حقائق فلسفی را همان‌گونه که هست درک کنند، بلکه خداوند و سایر حقایق باید برای آن‌ها مخیّل شود. فارابی کوشید فرایند انتقال معقولات به محسوسات را از طریق قوه متخیّله تبیین کند. این قوه یکی از قوای ادراکی نفس است که کار آن به‌طور عام عبارت است از بازسازی و طبقه‌بندی صور محسوسه‌ای که در حافظه آدمی وجود دارد (۳۲). معقولات و حقایقی که به این شکل در قوه متخیّله صورت خیالی پیدا می‌کند، رمز و صور مثالی را در خود جای داده است. حقایق عالم در شکل خالص عقلانی برای عموم مردم قابل درک نیست و به این دلیل اگر وحی زبانی فلسفی می‌داشت، در رسیدن به هدف خود که همان سعادت عامه بود، ناکام می‌ماند (۳۳).

[Downloaded from mail.spiritual-health.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.30491/JSH.1.2.120]

بنابراین می‌توان گفت هنر (و نیز به تعبیر حکمایی مانند فارابی دین) با استفاده از قوه خیال، بر تن معقول لباسی از جنس محسوس پوشانده و از این طریق بر مخاطب خود تأثیر می‌گذارد. اغلب انسان‌ها اهل کشف حقائق از طریق قوه عاقله نیستند و از طریق قوه خیال با حقیقت ارتباط برقرار می‌کنند. استفاده قرآن از قصه‌های انبیا و استعاره‌های مختلف و وجوه زیباشناسانه را با این فرض می‌توان فهمید. در تلقی رایج، وقتی از وجه هنری متن وحیانی صحبت می‌کنیم، صرفاً به جنبه‌های ادبی و بلاغی توجه می‌شود، اما با تکیه بر نظر حکیمان مسلمان، محاکاتی بودن اشاره به تبیینی عمیق از وجه هنری متن دینی دارد. اگر یک متن وحیانی بخواهد بر همه انسان‌ها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف تأثیرگذار باشد، نیاز به عنصری اساسی دارد. در سطحی متفاوت می‌توانیم به آثار هنری فاخر در فرهنگ‌های مختلف نظیر هومر، هزیود، فردوسی، مولانا و حافظ نگاهی بیندازیم و رمز ماندگاری را در جنبه هنری آن‌ها جستجو کنیم. هنر این ظرفیت را دارد که به‌رغم محدود بودن در زمان و مکان، به راحتی از محدودیت‌ها بگذرد و با زبان رمزآمیز و استعاری خود به حقیقت اشاره کند و آن را در جان انسان محقق سازد.

نتیجه‌گیری

با بررسی اجمالی برخی آثار هنری در فرهنگ ایرانی- اسلامی و جستجو برای برقراری نسبت هنر با سلامت معنوی این نتیجه به‌دست آمد که هنر ایرانی- اسلامی در سنّت هزار ساله خود با نمایش جلوه‌هایی از عالم برتر و تصویری از بهشت برین در قالب آیین‌ها، نمایش‌ها، صداها، ریتم‌ها، بناها، نقاشی‌ها و مجسمه‌ها، انسان را به وجه دیگری از حیات دعوت نموده و بستری برای تعالی او فراهم کرده و از مهمترین عوامل گسترش معنویت در جامعه اسلامی بوده است. کارکرد هنر در ارتقای سلامت معنوی، اثر هنری را به مثابه جلوه‌ای از زندگی آرمانی و دارای وجهی از تقدس و الهام نموده است. از سوی دیگر آموزه‌های دینی و زیست دینی هنرمند نیز بر کیفیت آثار هنری اثرگذار بوده است. بنابراین می‌توان از رابطه‌ای دوسویه و تأثیری متقابل میان هنر و سلامت معنوی سخن گفت.

وقتی از سلامت معنوی سخن می‌گوییم، آن را باید در همه ساحت‌ها تبیین کنیم و سلامت در ساحت انگیزه همان محل نقش‌آفرینی هنر است. آن چیزی که تأثیر مستقیم بر اراده و عزم می‌گذارد و کاملاً می‌تواند انسان را به سمت و سوی دلخواه بکشاند، هنر است. به تصویر کشیدن زندگی آرمانی در آثار هنری، عاطفه و بُعد غیرشناختی وجود را مخاطب قرار می‌دهد و این‌گونه شرایط برای اصلاح زندگی و بهبود روابط فراهم می‌گردد. انسان همان‌قدر که نیازهای شناختی دارد، نیازهای انگیزشی و الهامی نیز دارد. هنر با استفاده از قوه خیال، بر تن معقول لباسی از جنس محسوس پوشانده و از این طریق بر مخاطب خود تأثیر می‌گذارد. هنر این ظرفیت را دارد که به راحتی از مرزهای زمانی و مکانی بگذرد و با زبان رمزآمیز خود به حقیقت اشاره کند و آن را در جان انسان محقق سازد. بر این اساس، جامعه زمانی به مراتب بالای سلامت معنوی نزدیک می‌شود و از بند آسیب‌های رایج روحی رهایی می‌یابد که به همه ظرفیت‌های موجود از جمله هنر توجه شود.

تضاد منافع: نویسندگان تصریح می‌کنند که هیچ‌گونه تضاد منافعی در مطالعه حاضر وجود ندارد.

منابع

1. King U. Faith and praxis in a postmodern age. Translated by Vahid Sohrabifar. Kitab mah din. 1392;193:60. [In Persian]
2. Hegel GW. The philosophy of fine art. G Bell and sons, Limited; 1920.
3. Young J. Nietzsche's philosophy of art. Cambridge University Press; 1992.
4. Heidegger M. The origin of the work of art. Routledge; 2017.
5. Adorno TW. Aesthetic theory. Continuum; 2002.
6. Deranty JP. Existentialist aesthetics. Stanford Encyclopedia of Philosophy; 2019.
7. The Holy Quran. Surah Al-Shuara Verse 89; Surah Al-Saffat Verse 84; Surah Al-mo'menon Verse 63. [In Arabic]
8. Tabatabai MH. Spirituality of shi'a. Qom: Tashayyo Publication; 2008. [In Persian]
9. Carroll N. Definitions of Art (in: Encyclopedia of Aestheics and philosophy of art). Translated by Insha-Allah Rahmati. Tehran: Sofia Publication; 2019. [In Persian]
10. Hashminejad Q. Treatise on the definition explanation and classification of mystical stories. Third edition. Tehran: Hermes Publication; 2019. [In Persian]
11. Hakim R, Hakimi E. Rumi's cognitive therapy approach to health and disease. Bali Medical Journal. 2018;7(1):39-46.
12. Balkhi Rumi JM. Masnavi Manavi. Tehran: Written Heritage Research Centre; 2014. [In Persian]
13. Khamenei A. Statements at the meeting of poets in the holy month of Ramadan. 2008. Available from: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4083
14. Aminejad A, Babaei M, Kermani A. Foundations and philosophy of theoretical mysticism. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute; 2007. [In Persian]
15. Zarrinkob A. A record of Islam. Tehran: Amirkabir Publication; 2007.
16. Burckhardt T. Art of Islam: language and meaning. World Wisdom, Inc; 2009.
17. Mokhtari R. Five unpublished letters from the late professor Dr. Abulqasem Gurji. Shi'a book. 2010;143-50. [In Persian]
18. Mirsepasi A. Iranian intellectuals: social hope

[Downloaded from mail.spiritual-health.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.30491/JSH.1.2.120]

and philosofical despair. Translated by Abbas Mokhber. Tehran: Tose'eh Publication; 2007.
19. Dastgheyb A. Criticism of Gholamhossein Saedi's works. Tehran: Chapar Publication; 1973. [In Persian]
20. Jafari MT. Beauty and art in Islam. Tehran: Hozehonari Publication; 1990.
21. Fisher JW. Understanding and assessing spiritual health. In International handbook of education for spirituality, care and wellbeing. Springer, Dordrecht. 2009:69-88.
22. Muldoon M, King N. Spirituality, health care, and bioethics. Journal of Religion and Health. 1995;34(4):329-50.
23. Coward DD, Reed PG. Self-transcendence: A resource for healing at the end of life. Issues in Mental Health Nursing. 1996;17(3):275-88.
24. Abolghasemi H, Asadzandi M. How spiritual health affects other dimensions of health. Journal of Culture and Health Promotion. 2019;3(2):164-74. [In Persian]
25. Rashad AA, Abbaszadeh M. The basis of spiritual health. Iranian Journal of Culture and Health Promotion. 2019;3(2):198-206. [In Persian]
26. Khomeini R. Description of forty hadiths. Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute; 2015. [In Persian]
27. Farabi A, Daneshpajoh MT, Marashi M. Al-Manteghiyat lelfarabi. Qom: Grand Ayatollah Marashi Najafi public library; 1408. [In Arabic]
28. Farabi A. Ehsa-Al-Oloom. Translated by hossein khadivjam. Third edition. Tehran: Scientific and Cultural Publication; 2002. [In Persian]
29. Javadi Amoli A. Science without religion and religion without science are both problematic. Available from: www.hawzahnews.com/news/323566 [In Persian]
30. The Holy Quran. Surah Al-Hujurat Verse 7.
31. Shahrzuri M. Rasa'il al-Shajarah al-Ilahiyyah fi 'Ulum al-Haqa'iq al-Rabbaniyyah. Researched by Najafquli Habibi. Tehran: Research Institute of Hikmat and Philosophy of Iran; 2004. [In Arabic]
32. Farabi A. Ara'e Ahl Al-Madinah Al-Fadilah. Beirut: Dar Al-Mashregh; 1986. [In Arabic]
33. Maziar A. Dream, metaphor, and language of the religion. Tehran: Kargadan Publishing House; 2021. [In Persian]

[Downloaded from mail.spiritual-health.ir on 2026-11-18]

[DOI: 10.30491/JSH.1.2.120]